

متن پیاده سازی شده جلسه شصت و هفتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 20 بهمن 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در جلسه قبل، دلیل چهارم قائلین حجیت خبر واحد مطرح شد؛ ادعا این بود که عقلا در زندگی‌شان به خبر واحد ثقة عمل می‌کنند و شارع از این بنا منعی به عمل نیاورده است و لذا حجیتش ثابت می‌شود؛ ما چهار اشکال را در جلسه قبل به این دلیل وارد کردیم.

اگر بنا عقلا ثابت شود و حدّش معلوم شود دست انسان در اخذ به خبر واحد باز می‌شود و اگر بنا عقلا اثبات نشود کسانی که تنها دلیل حجیت خبر واحد را بنا عقلا می‌دانند دستشان بسته می‌شود.

استاد: ببینید از چهار اشکال مطرح شده، دو اشکال آخرش در فرضی بود که بخواهیم خبر حسن را داخل در خبر ثقة بکنیم؛

چون این دفاع ندارد و ما هم به تبع مشهور قائلیم که خبر حسن لزوم اخذ ندارد به همین خاطر این دو اشکال را کنار می‌گذاریم. مهم پرداختن به دو اشکال اول است. در اینجا دو نظر وجود دارد 1: مشهور می‌گویند عقلا به خبر ثقة عمل می‌کنند 2: مدرسه آقاي بروجردی می‌گوید عقلا به شرط حصول اطمینان به خبر واحد ثقة عمل می‌کنند.

استاد: بنده هم گزینه سومی را مطرح می‌کنم؛ عقلا در مهام امور(در مانحن فیه مهام امور مسائل دینی است) اول به یقین عمل می‌کنند مثلاً اگر بتواند از امام علیه السلام سوال کنند به خبر واحد اصحاب توجه نمی‌کنند. بعد از یقین عقلا به احتیاط عمل می‌کنند مثلاً چیزی است که نمی‌دانند سم است یا آب، به احتیاط عمل می‌کنند و هیچ کدام را نمی‌خورند. در فرضی که احتیاط ممکن نباشد یا احتیاط سخت باشد مثل دوران بین محذورین و... به اطمینان عمل می‌کنند و اگر به اطمینان نرسیدند به خیر الطرق المیسره عمل می‌کنند یعنی به بهترین طریق موجود عمل می‌کنند؛ در مسائل سیاسی امروزه این مطرح است که می‌گویند خیر الموجودین فلان کسی است و او را انتخاب می‌کنند؛ این بحث در انسدادهایی که خورد و انسدادی می‌توانند از خیر الطرق المیسره استفاده کنند.

اگر این فرضیه را ما بپذیریم در این چهار حلقه (یقین، احتیاط، اطمینان، خیر الطرق المیسره) اسمی از خبر ثقة نیست و لذا شاید حق به جانب کسانی باشد که گفتند عقلا در مهام امور به خبر ثقة عمل نمی‌کنند.

لکن در اینجا ما باید توقفی کنیم و ببینیم آیا خبر ثقة از اطمینان جدا می‌شود یا نه؟ اگر خبر ثقة همیشه با اطمینان همراه باشد در این صورت داخل در حلقه سوم (اطمینان) می‌شود.

نکته: استاد علیدوست: مرحوم امام خمینی در بحث حیل ربا می‌فرماید روایات حیل ربا را شخصی که صراف بوده نقل کرده است و لذا در مظان سودجویی است و لذا در اخذ به اخبارش تردید می‌کنیم بنده در فقه و مصلحت اشکال به کلام ایشان وارد کرده ام اما با این حال نکته ای که می‌فرمایند جالب به نظر رسید.

اگر مراد آقایان از خبر ثقة، خبری باشد که همیشه به همراه اطمینان است در این صورت تمسکشان به بنا عقلا صحیح خواهد بود. اما اگر مراد آقایان از خبر ثقة، فقط متحرز از کذب بود در این صورت تمسک به بنا عقلا درست نخواهد بود چرا که ما به اطمینان نرسیده ایم.

استاد: ما اشکال اول را که متوجه مشهور بود می‌پذیریم چرا که ظاهر کلام مشهور این است که مراد از ثقة، همان متحرز از کذب است و مشهور معتقدند که عقلا هم چنین خبری را می‌پذیرند در حالی که چنین انتسابی به عقلا با چنین اطلاقی صحیح نیست.

با غرض نظر از اشکال اول و با پذیرش بنا عقلا نوبت به اشکال دوم می‌رسد باید ببینیم که موافقان چه جوابی به این اشکال داده

اند.

به این اشکال خیلی پرداخته شده است و مرحوم آخوند هم به این اشکال پرداخته است؛ اگر یادتان باشد مرحوم آخوند سه جواب به این اشکال می دهد.

1: این آیاتی که شما به آنها استناد می کنید در مورد اصول دین است آیاتی مانند لا تقف لیس لک به علم یا ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً و... برای اصول دین است و ما هم از از غیر علم در اصول اعتقادات منع شده ایم.

2: سلمنا که این آیات عمومیت و اطلاق داشته باشد مگر خبر واحد پشتوانه علمی ندارد خبر واحد پشتوانه اش یقین است. خدا رحمت کند مرحوم مظفر را که می فرمود ما یک متابعت از علم داریم یک متابعت از علمی؛ علمی یعنی خودش ظن آور است اما پشتوانه اش یقینی است. خبر واحد هم پشتوانه اش علم است.

3: دور؛ اگر آیات بخواند مثل سیره عقلا را بگیرد باید عمومیت داشته باشد تا توان داشته باشد که سیره را بگیرد و اگر چنین توانی داشته باشد نباید تخصیص بخورد و ما در این صورت نباید احتمال تخصیص بدهیم و ما احتمال می دهیم همین بنا عقلا آیه را تخصیص زده باشد؛ پس رد سیره متوقف بر انعقاد یک عموم در آیات است و عموم آیات متوقف بر رد سیره است پس رد سیره متوقف بر رد سیره است.

4: مرحوم نائینی و عراقی: اصلاً در بین عقلا عمل به خیر واحد ثقه عمل به یقین است ( نه از باب اینکه پشتوانه علم دارد ) و اصلاً عقلا احتمال خلاف نمی دهند بلکه مردم خبر واحد را مصداق علم می دانند نه ظن؛ آیات هم نهی از عمل به غیر علم کرده

نه علم

و الحمد لله رب العالمین